

اهمیت خاطره در شخصیت‌های نمایشنامه‌های نغمه‌ثمینی با تمرکز بر خواب در فنجان خالی، هیولاخوانی و زبان تمشک‌های وحشی*

آزاده تفضلی^۱، آناهیتا مقبلی^{۲*}

^۱دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
^۲دانشیار دانشکده هنر، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
 (تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۱۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۱/۲۶)

چکیده

نمایشنامه‌ها قسمتی از شرح حال افراد را به صورت بیانی و قسمتی دیگر را با نشان دادن، نقل و روایت می‌کنند و مطالعه ادبیات نمایشی در جهت تثبیت در اذهان عمومی، همسویی و القای فرهنگ جامعه می‌بایست به گونه‌ای باشد که سبب خاطره‌انگیزی در مخاطب شود. از آنجا که رویداد خاطره یک واقعیت کالبدی است البته با مفهومی فراتر از یک موقعیت یا خاستگاه مکان به عنوان ظرفی برای وقوع رویدادها، به ذهن انسان در ثبت خاطرات یاری می‌رساند. از این رو؛ پژوهش حاضر بدنبال واکاوی نقش وجود اهمیت خاطره در شخصیت‌های نمایشنامه‌های خواب در فنجان خالی، هیولاخوانی و زبان تمشک‌های وحشی است و در راستای نیل به این هدف، ابتدا به بررسی نمایشنامه‌ها و ساختار آن و سپس به خاطره‌انگیزی و اهمیت خاطره در شخصیت‌ها با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی پرداخته شده است و نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که در نمایشنامه‌های مطرح شده، شخصیت‌ها از طریق نوع دیالوگ، نوع بیان و قدرت‌های کلامی تاثیر بیشتری در برانگیزی خاطره در تماشاگران دارند و از میان سه نمایشنامه منتخب، نمایشنامه «زبان تمشک‌های وحشی» از این لحاظ دارای قدرت بیشتری است.

واژه‌های کلیدی

نمایشنامه، خاطره، نغمه‌ثمینی، خواب در فنجان خالی، هیولاخوانی، زبان تمشک‌های وحشی.

* این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آزاده تفضلی با عنوان «بررسی اهمیت خاطره در شخصیت‌های نمایشنامه‌های نغمه‌ثمینی با تمرکز بر خواب در فنجان خالی، هیولاخوانی و زبان تمشک‌های وحشی» به راهنمایی آناهیتا مقبلی می‌باشد.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۲۱۲۳۳۷۱۶، شماره: ۰۹۱۲۱۲۳۳۷۱۶-۷۷۳۱۲۷۱۶، E-mail: a.moghbeli1398@yahoo.com

مقدمه

مبهم را به یک اندازه روشن می‌کند»، هیولاخوانی «خانه‌ای کوچک، که بیش از آن که قدیمی باشد، فرسوده است؛ دری به اتافی گشوده می‌شود که انباری است. دری دیگر به آشپزخانه و در سوم به حمام. اما فضای میانی خانه آن قدر بزرگ است که همه را همان جا جمع کند» (ثمینی، ۱۳۹۲) و *زبان تمشک‌های وحشی* «با نگاهی به برج بابل، پیروی از مکتب سورئالیسم، ترکیبی از افسانه، تاریخ و واقعیت است و پیوندی دیگر با اساطیر برقرار نموده است.» از این رو پژوهش حاضر؛ به بررسی و کشف جلوه‌های خاطره‌انگیز شخصیت‌های نمایشنامه‌های فوق و قیاس آن‌ها با یکدیگر در جهت دستیابی اینکه کدام نمایشنامه و شخصیت‌های آن در افزایش حس خاطره‌انگیزی در مخاطب نقش بیشتری دارند؛ می‌پردازد. ضمن اینکه پژوهش حاضر قصد دارد نشان دهد؛ که چگونه برخی شخصیت‌های نمایشنامه‌ها در مناسبات با یکدیگر و دیگر شخصیت‌ها مسبب ایجاد خاطره و برانگیزی اهمیت بیشتر آن می‌شوند. به همین منظور کالبدشناسی لایه‌های پنهانی شخصیت‌ها و مرتبط ساختن مفهوم خاطره با آن‌ها، وضعیت شناخت شخصیت‌ها و خاطره‌انگیزی آن‌ها را افزایش می‌دهد که این موضوع بر اهمیت پژوهش حاضر می‌افزاید. حال در راستای رسیدن به هدف پژوهش این پرسش مطرح است که شخصیت‌های مورد مطالعه در سه نمایشنامه چگونه اهمیت خاطره را تولید یا باز تولید می‌کنند؟

ادبیات در هر فرهنگ شاخص مهمی برای درک پویایی آن فرهنگ و جامعه است؛ اما باید این نکته را در نظر داشت که مطالعه ادبیات نمایشی در جهت تثبیت در اذهان عمومی و هم‌سویی و القای فرهنگ جامعه می‌بایست به گونه‌ای باشد که سبب خاطره‌انگیزی در مخاطب شود (گلریزه، ۱۳۸۸، ۵۲). چرا که اهمیت خاطره و ایجاد آن ژانری است که در طول تاریخ ادب فارسی کم‌تر مورد توجه بوده است؛ بی‌آنکه نمایش‌نامه‌نویسان بدانند یکی از ملاک‌هایی که می‌تواند گرایش نمایشنامه‌ها و شخصیت‌های آنان را در ذهن تثبیت و پایدار کند و سبب تحلیل شخصیت‌ها شود؛ اهمیت خاطره و باز زنده‌سازی آن در مخاطب است؛ زیرا خاطره به سبب روایت‌گویی سبب بازنمایی و تصور ذهنی موضوع در مخاطب دوم می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر به درستی انجام گردد؛ فرد خود را در فضا حس می‌کند. همچنین اهمیت خاطره در نمایشنامه‌ها به گونه‌ای رقم می‌خورد که شخصیت‌های آن نمایشنامه بازی می‌کنند. در این راستا؛ مسأله اصلی این پژوهش بررسی نقش اهمیت خاطره در شخصیت‌های نمایشنامه‌های نغمه‌ثمینی است که همواره نگاهی به جهان کهن و اسطوره داشته است. که البته با تمرکز بر سه نمایشنامه *خواب در فنجان خالی*، «متن نجیبی است در چهارچوب جهانی داستان قاجاری و گفتمان فکری مشخص. نه پیش می‌رود و نه پس می‌ماند. حس توضیح‌ناپذیر خود را مطیعانه توضیح می‌دهد و تمام نقاط

روش پژوهش

نوع روش پژوهش انجام‌شده در این پژوهش، کیفی و براساس نوع هدف کاربردی و شیوه گردآوری اطلاعات تحلیلی-توصیفی است. در این پژوهش با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی سه نمایشنامه نغمه‌ثمینی (*خواب در فنجان خالی*، *هیولاخوانی*، *زبان تمشک‌های وحشی*) پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

عمده پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه پژوهش حاضر می‌توان به شهبازی (۱۳۹۱) در خبرنامه‌ای با عنوان «آن سوی سایه‌ها» به بررسی نمایشنامه *خواب در فنجان خالی* نغمه‌ثمینی پرداخت و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافت که فضای کابوس‌گونه‌ای که مخاطب را میان خواب و بیداری رها می‌کند، نوعی رئالیسم جادویی و ایجاد فضایی سورئالیسم با سینما برقرار می‌کند (شهبازی، ۱۳۹۱). زاهدی و همکارانش (۱۳۹۲) در مقاله خود با عنوان «بررسی نقش‌های جنس‌گرایانه در دو نمایشنامه *خواب در فنجان خالی* و *شکلک* اثر نغمه‌ثمینی براساس نظریه کنش متقابل نمادین» پرداختند و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافتند که شخصیت‌های زن این نمایشنامه‌ها براساس نقش‌های جنس‌گرایانه نشان می‌دهد از چهار شخصیت زن این دو نمایشنامه، دو شخصیت بازنمود زن مدرن و دو شخصیت بازنمود زن سنتی‌اند (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲). نصرتی (۱۳۹۴) در کتاب خود با عنوان «دلالت فنجان خالی (پژوهشی در نشانه‌های روان‌زانه نمایشنامه خواب در فنجان خالی، اثر نغمه‌ثمینی)» به بررسی شخصیت‌های زن داستان

نغمه‌ثمینی پرداخت (نصرتی، ۱۳۹۴). عسگری (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد به بررسی «جنسیت در تئاتر: تحلیل تاریخی گفتمانی دو نمایشنامه *خشک‌سالی* و *دروغ و خواب در فنجان خالی*» پرداخت و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی دریافت که نکته قابل ملاحظه در مورد نویسندگان، وابستگی آنان به واقعیت‌های زبانی و بافت اجتماعی زندگی‌شان است. بنابراین، معنایی که آن‌ها می‌آفرینند، از سوی مخاطبان به گونه‌های مختلفی می‌تواند برداشت شود همچنین نگاه مطالعات فرهنگی به مخاطبان آثار هنری و ادبی، بدین صورت است که آنها همیشه منفعل و پذیرای محض پیام‌های این متون نیستند، بلکه به تفسیر این متون با بهره‌گیری از تجربه‌های زیسته و آموزه‌های خود می‌پردازند (عسگری، ۱۳۹۵).

۱- مبانی نظری

۱-۱. بررسی شخصیت‌های نمایشنامه‌ها

۱-۲. شخصیت‌های مرد وزن (دیدگاه جنس‌گرایانه)

زنان به افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف تقسیم می‌شوند. آن‌ها نیز مثل مردان در متن روابط اجتماعی و فرهنگی و مناسبات قدرت زندگی و عمل می‌کنند و تغییر و تحول می‌یابند و در این راستا؛ تمایزات طبقاتی، اجتماعی، فرهنگی و مسیر زندگی شخصی هر فرد، هویت فردی و اجتماعی او را شکل می‌دهد. مهم‌تر آن که هویت، چه در بُعد فردی و چه در بُعد اجتماعی مفهومی ایستا نیست بلکه روندی است همواره در تغییر، روندی است پیچیده که در کنش متقابل دایمی فرد و گروه و جامعه در متن روابط شخصی و اجتماعی و مناسبات قدرت شکل می‌گیرد، تولید و باز تولید

ویژگی‌های رفتاری درحالت کلی به چگونگی عملکرد زنان و مردان در روابطشان با یکدیگر و دنیای اطرافشان می‌پردازد. این ویژگی‌ها به شکل‌های مندرج در جدول (۱) تفکیک می‌شوند.

می‌شود، و تغییر و تحول می‌پذیرد (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۹).

۴-۲. بررسی ویژگی‌های رفتاری در شخصیت‌ها

جدول ۱- الگوهای ارتباطی در شخصیت‌های نمایشنامه‌ها. مأخذ: (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲، ۹۰)

الگوهای ارتباطی مردانه	الگوهای ارتباطی زنانه
آزادانه در مورد مسائل جنسی صحبت می‌کنند	آزادانه در مورد مسائل جنسی صحبت نمی‌کنند
استفاده از زبان خشن	استفاده نکردن از زبان خشن
کم حرف	پر حرف
رک و بی پروا	سنجیده
استفاده از صحبت برای بدست آوردن همبستگی و منصب	استفاده از صحبت برای بدست آوردن همبستگی بین مردم
عدم بیان احساس شخصی	قادر به بیان احساس شخصی

۴-۲. خاطره و مؤلفه‌های شکل‌گیری آن

رویداد خاطره یک واقعیت کالبدی است. البته با مفهومی فراتر از یک موقعیت یا خاستگاه مکان به عنوان ظرفی برای وقوع رویدادها به ذهن انسان در ثبت خاطرات یاری می‌رساند. یک خاطره به صورت واضح ما را مستقیماً به یک مکان مشخص سوق می‌دهد. انسان‌ها بعضاً با حضور در مکانی که سایرین در آن حضور دارند به تجربه‌هایی دست می‌یابند که آن‌ها را با تمام انسان‌هایی که در گذشته یا آینده چنین فرآیندی را تجربه می‌کنند؛ پیوند می‌دهد. از این رو این بخش‌های پیونددهنده به فضای عمومی ثابت و تداوم می‌بخشد. زیرا در این فضاها است که مردم به داشتن تجربه‌های مشترک دست می‌یابند که در حقیقت «این تجربه‌ها همان خاطرات جمعی هستند» (عسگری و نقیعی، ۱۳۹۴، ۸).

۴-۲-۱. عناصر قابل بررسی در خاطره

حادثه یا رویداد: معمولاً با شگفتی و اعجاب و جاذبه همراه است و پیکره خاطره را سامان می‌بخشد و در ما ایجاد هم‌حسی می‌کند. **راوی:** ممکن است گوینده خاطره، خود حادثه را چشیده و دیده یا شنیده باشد و با واسطه بیان کند. خاطره‌ای که سازنده آن یا گوینده حاضر در صحنه، آن را بیان کند، هرگز همسان با خاطره‌ای که کسی که به نقل یا با واسطه آن را بیان می‌کند، نیست (Lewika, 2008, 10).

شکل و ساخت و بافت بیان خاطره: خاطره به شکل گفتاری و نوشتاری عرضه می‌شود. در خاطره‌گویی لحن، صدا، حالات و اشارات گوینده، فضا و احساس متفاوت با خاطره نگاشته دارد. در خاطره نگاشته‌ها، فرصت تأمل بیشتر، حضور چاشنی‌های توصیفی و حتی عناصر داستانی، رنگی دیگر به نوشته خواهد داد؛ به ویژه اگر راوی خود نگاشت یا دیگر نگاشت، با داستان و عناصر داستانی نیز آشنایی داشته باشد. در خاطره نگاشته شتاب قلم‌کندتر است در نتیجه امکان حضور عناصر خیال بیشتر می‌شود. این امر از یک نظر به تأثیرگذاری و جذابیت خاطره می‌افزاید و از طرفی دیگر میان واقعیت خاطره و اثر مکتوب فاصله می‌اندازد (Elrah-man Abd, 2016, 1100).

زمان، مکان و فضا (موقعیت): در خاطره‌گویی و در خاطره‌نگاری، زمان، مکان و موقعیت هم در خاطره‌گو و هم در شنونده تأثیرگذار است (دادور و محمدی، ۱۳۹۴، ۲۵).

مخاطب: مخاطب (سطح، سن، جنس، ترکیب و غیره) در بیان و نوع

شناخت خاطره مؤثر خواهد بود. نیز اگر نویسنده به طیف و گروه خاصی بیاندیشد؛ مثلاً به مخاطب‌های کودک و نوجوان یا مخاطبان غیر هم‌زبان، در اثر خلق شده اثر خواهد گذاشت.

فرآیند: سیر و روند خاطره از آغاز تا پایان دست‌خوش عناصر پیدای پنهان درونی و بیرونی خاطره‌گو یا خاطره نگار خواهد بود. اندیشه‌های پیشین، حساسیت‌ها، انگاره‌ها و باورها، در خاطره و روند بیان آن از نگاه تیزبین پژوهشگر خاطره‌شناس دور نمی‌ماند.

۴-۲-۲. خاطره‌گویی

خاطره‌گویی عبارت است از: یادآوری کلامی یا ذهنی رویدادهای زندگی که در تنهایی یا به همراه فرد یا افراد دیگری صورت می‌گیرد. خاطره‌گویی پدیده‌ای فطری است که اغلب به طور غیرارادی اتفاق می‌افتد. مناظر، صداها و بوهای خاص، تصاویر قدرتمندی از رویدادهای گذشته زندگی فرد را در ذهن تداعی می‌کند و باعث می‌شود که فرد به طور موقت افکار و احساسات دوران گذشته خود را به یاد آورد. همچنین این پدیده می‌تواند به منظور رسیدن به هدف خاصی مثلاً آموختن درس زندگی به دیگران، به صورت ارادی ایجاد شود. یادآوری گذشته توسط نیروهای اجتماعی نیز اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال، هنگامی که خانواده، دوستان یا آشنایان از فرد می‌خواهند که خاطرات شخصی دوران گذشته خود را تعریف کند. بنابراین، خاطره‌گویی به عنوان فرآیند بسیار برجسته و همگانی یادآوری رویدادها، روشی را برای بررسی شکل‌گیری، رشد و استفاده از خاطرات شخصی در دوران بزرگسالی فراهم می‌کند (عسگری، ۱۳۹۵، ۳۱).

۲- یافته‌های تحقیق

۲-۱. معرفی نغمه ثمینی و بررسی نمایشنامه‌های وی

نغمه ثمینی (۱۳۵۲) فیلمنامه‌نویس، نمایشنامه‌نویس، نویسنده، منتقد سینمایی، روزنامه‌نگار و عضو هیأت علمی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران اهل ایران است. او به عنوان نویسنده با نشریاتی مانند: ماهنامه سینمایی فیلم و زنان همکاری داشته است. به طور کلی خانم نغمه ثمینی را می‌توان در زمره نمایشنامه‌نویسانی محسوب کرد که دغدغه شرق و درام شرقی دارند. علی‌رغم هم‌خوانی آثار نغمه ثمینی با معیارها و تکنیک‌های درام غربی، می‌توان گفت که وی در آفرینش آثارش، از ظرفیت‌های داستانی و ساختاری، نمایش سنتی ایران اعم از نقالی، معرکه‌گیری و غیره نیز بهره

پاره‌ای نمایش نامه‌ها، به عنوان ویژگی‌های مشترک نمایشنامه‌های نغمه‌ثمینی نام برد. نمایشنامه‌های وی دارای ساختاری دایره‌ای شکل و یا هرمی شکل بوده و با گذشت زمان استفاده از الگوی شرقی به تدریج به صورت غیرمستقیم در آمده و در ژرف ساخت اثر قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که نمایشنامه‌های اخیر او آمیزه‌ای از انواع مختلف ساختار هستند و به راحتی نمی‌توان ساختار یا نوع مشخصی را برای آن تعیین نمود. در نهایت باید گفت که بازی با ساختارهای مختلف، ادغام آن‌ها با یکدیگر و تجربه ساختارهای کم‌تر شناخته شده، از مؤلفه‌های مشخص آثار خانم نغمه‌ثمینی است.

۲-۱. خواب در فنجان خالی

خاطره‌انگیزی در نمایشنامه بر خواب در فنجان خالی

عوامل خاطره‌ساز در نمایشنامه خواب در فنجان خالی در قالب جدول (۲) نشان داده شده‌اند.

کافی برده است. وی با به کار گرفتن توانایی‌هایش، نمایش سنتی شرقی، بازآفرینی خلاقانه شماری از افسانه‌ها، قصه‌ها و حکایت‌های قدیمی و مهم‌تر از آن، با شناخت درستی که از مخاطب شرقی خود با آن فرهنگ تو در تو و هضم‌کننده‌ای که دارد توانسته ارتباط خوبی با مخاطبان برقرار کند و به عنوان یکی از برترین نمایشنامه‌نویسان معاصر دهه هفتاد به بعد مطرح شود. اجرای برون مرزی برخی نمایشنامه‌ها، مانند خواب در فنجان خالی، شکاک و... و کسب جوایز مختلف از جمله کسب عنوان بهترین نمایشنامه در چندین جشنواره تئاتر فجر، نشان دهنده کارنامه موفق خانم نغمه‌ثمینی در زمینه ادبیات نمایشی است. در خط‌مشی فکری این نمایشنامه‌نویس اسطوره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. با نگاه به آثار ثمینی می‌توان از حضور پر رنگ روایت، استفاده از توانمندی‌های نمایش سنتی ایران نظیر نقالی، معرکه‌گیری و... در ساختار کلی نمایشنامه، غلبه بر الگوی ساختاری شرقی، داشتن روساخت گسسته و ژرف ساخت پیوسته و در عین حال برخوردار از شمای منطقی سیر پیشرفت رویدادها در کنار تداوم معنایی

جدول ۲- عوامل خاطره‌ساز نمایشنامه خواب در فنجان خالی.

نمایشنامه		توضیحات
نمایشنامه خواب در فنجان خالی	نوع خاطره	کلی نگر/ خاطره در نوع بیان/ اعتبار خاطره به شخصیت و دیگر نگاشته/ طرز بیان جدی
	مؤلفه‌های شکل‌گیری خاطره	لحن/ صدا/ حالات و اشارات، زبان گفتاری
	مخاطب	تمامی گروه‌های سنی
	فرآیند	اندیشه‌های پیشین و باورها
	زمان	عصر قاجار و زمان حاضر

موضوع و بستر طرح

نویسنده در راستای موضوع که می‌تواند مروری انتقادی بر تاریخ در نظر گرفته شود کوشیده است در بستر پیشرفت کنش، به مهم‌ترین حوادث دوره قاجار نظیر جریان مشروطه و اعزام دانشجویان به فرنگ اشاره‌ای گذرا داشته باشد و نیز شرایط اجتماعی آن روزگاران را با جامعه کنونی تطبیق دهد. همچنین در راستای این تطبیق، اشاراتی گذرا به جریان اصلاحات و وضعیت روزنامه‌نگاران در خلال نمایشنامه به چشم می‌خورد؛ ضمن اینکه مخاطب در این نمایشنامه همراه با شخصیت‌ها لحظه‌ای را در زمان سپری می‌کند و درست همان لحظه با تغییر حالات شخصیت‌ها، در نشانه‌های فراوان گذشته غرق می‌شود و حکایت اجداد آن‌ها را پی می‌گیرد.

دیالوگ‌های خاطره‌ساز

دیالوگ نمایشنامه به دو قسمت گذشته و حال قابل تفکیک است که به خوبی درونیات شخصیت‌ها را نمایان می‌کند. نقطه ضعیفی که در شکل‌دهی مکالمه‌ها به چشم می‌خورد، گویی شخصیت‌ها منتظر این فرصت هستند که مورد خطاب قرار بگیرند و آن‌گاه انبوهی از اطلاعات را ارائه دهند، اطلاعاتی که برای پیشبرد داستان و درک بهتر نمایشنامه البته به کار می‌آیند، اما در مواجهه با طرف مقابل و پرسش وی ضرورت چندانی ندارد.

تأثیر بر مخاطب

بر خلاف اغلب نمایشنامه‌ها که می‌توانند با مرگ یا سرنوشتی تأمل‌انگیز

پایان یابند، این نمایشنامه با مرگ آغاز می‌شود و مخاطب از همان آغاز به گونه‌ای خود را در دنیای اشباح می‌یابد. از آن گونه رو‌بابودن ما و در خواب عمیق بودن زندگی کوچک‌مان تحقق می‌یابد. شب مویه‌ها که به گوش می‌رسد، تفاله‌های قهوه‌ای که مدام آشوب و فتنه را نشان می‌دهند و آقا عمه‌ای که سر افراد را در عکس‌هایشان قیچی می‌کند، براعت استهلالی برای پایان شوم نمایشنامه است.

شخصیت‌ها

در نمایشنامه خواب در فنجان خالی هیچ کدام از شخصیت‌ها بخشودنی نیستند و تا حدودی یادآور شخصیت‌های مدرن که با ویژگی‌های منفی‌شان سزاوار چنین سرنوشتی هستند. انتخاب اسامی مرتبط با ماه، برای شخصیت نیمه‌دیوانه مهتاب و ماهرخ نیز قابل تأمل است، چرا که نور مهتاب با افزایش جنون ارتباط دارد.

بررسی ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری در شخصیت‌ها (جدول ۳)

۳-۲-۲. هیولاخوانی

خاطره‌انگیزی در نمایشنامه هیولاخوانی

در این نمایشنامه تقابلی از جنس تاریخ است: قبل انقلاب/ بعد انقلاب (جدول ۴).

موضوع و بستر زمانی

هیولاخوانی را باید یک تقابل دوتایی در عصر حاضر دانست؛ تقابلی که

جدول ۳- ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری در شخصیت‌های نمایشنامه خواب در فنجان خالی.

شخصیت‌ها	ویژگی‌های رفتاری	الگوهای رفتاری
مهتاب/ ماهرخ	احساساتی، همذات‌پنداری، زنی سنتی، یعنی غیرمنطقی‌بودن، پر از ترس بودن، محتاج به امنیت بودن و داشتن احساسات شهودی در مورد دیگران.	زنی سنتی، در مورد مسائل جنسی حرف نمی‌زند، اما پرحرف است. سنجیده حرف می‌زند و سخت به بیان احساسات شخصی می‌پردازد.
ماه لیلی	فاعله، تصمیم با اختیار خود، خود را در رقابت با زنان فرنگی می‌بیند، و مهم‌تر از آن با مردهای مملکت‌اش، منطقی، بیان احساسات شخصی.	پرحرف، زن مدرن، تحصیل کرده، استفاده‌نکردن از زبان خشن، سنجیده
فرامرز/ فرامرز خان	جسور، بدون احساس، منطقی، خشن، جلب احترام از طریق کار	رک و بی‌پروا، عدم بیان احساسات شخصی، کم حرف

جدول ۴- عوامل خاطره‌ساز نمایشنامه هیولاخوانی.

نمایشنامه	توضیحات
نمایشنامه هیولاخوانی	نوع خاطره
	کل‌نگر / خاطره در نوع بیان / اعتبار خاطره به شخصیت و دیگر نگاشته / طرز بیان جدی
	مؤلفه‌های شکل‌گیری خاطره
	مخاطب
	فرآیند
زمان	زمان حاضر

تأثیر بر مخاطب

هیولاخوانی با توجه به مطرح‌نمودن عقاید خاص و بازگویی مسائل سیاسی از طریق همین سیاست‌های گفتاری که حاضر به بیان مسائل سیاسی می‌گردد؛ تأثیر شگرفی بر مخاطب می‌نهد. ضمن اینکه هیولاخوانی نمایشی است برای طبقه متوسط، دانشجویان و روشنفکران.

بررسی ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری در شخصیت‌ها (جدول ۵)

جدول ۵- ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری در شخصیت‌های نمایشنامه هیولاخوانی.

شخصی‌ها	ویژگی‌های رفتاری	الگوهای رفتاری
ابراهیم	خشن، مستقیم، بدون احساس شهودی، فاعل	رک و بی‌پروا، استفاده از زبان خشن، عدم بیان احساسات شخصی.
مرضیه	پر احساس، غیرمنطقی، دارای احساسات شهودی در مورد دیگران، زن سنتی	زنی سنتی، سنجیده حرف می‌زند و سخت به بیان احساسات شخصی‌اش می‌پردازد. استفاده‌نکردن از زبان خشن.
سعید شهرزاد	تترس، عمل‌کردن به تنهایی، اهل رقابت، فاقد احساسات شهودی	کم حرف، استفاده از صحبت برای به‌دست‌آوردن همبستگی و منصب، عدم بیان احساسات شخصی
یونس	بدون احساس، منطقی، جلب احترام از طریق کار، تأمین‌کننده امنیت	رک و بی‌پروا، عدم بیان احساسات شخصی، کم حرف

خاطره‌انگیزی در نمایشنامه زبان تمشک‌های وحشی (جدول ۶)

موضوع و بستر زمانی

موضوع نمایشنامه حاضر در ارتباط با طلاق است که این روزها به عادی‌ترین اتفاق جامعه تبدیل شده است و در بستر زمانی حال به نمایش در آمده است.

تأثیر بر مخاطب

بر خلاف اغلب نمایشنامه‌ها؛ این نمایشنامه در یک رفت‌وبرگشت زمانی است و از این‌رو می‌تواند بر مخاطب تأثیر شگرفی بگذارد. ضمن اینکه شخصیت دانیال به صورتی که در تمام زمان‌ها حضور دارد (با شخصیت‌های مختلف)، به این روند کمک شایانی می‌نماید. دیالوگ‌ها

۵-۲-۳. زبان تمشک‌های وحشی

نمایش «زبان تمشک‌های وحشی» اثری است که در فرم و ساختار چه در متن و چه شاخصه‌های اجرایی و کارگردانی از مکتب سورئالیسم پیروی می‌کند. متنی پر ابهام و پر گره که اندکاندک مجهولات خود را روشن و مفهوم‌های پنهان را هویدا می‌سازد به طوری که در پایان نمایش و معرفی و حدیث نفس کاراکتر پسر جوان (دانیال)، ناخودآگاه تماشاگر تمامی صحنه‌ها را یک بار دیگر با شناخت جدیدی که از شخصیت مجهول الهویه به دست آورده مرور کرده و ربط ماجراها و صحنه‌ها را کشف می‌کند. تم و زمینه فراگیر اثر، زبان است و مسائلی از قبیل حدود درک انسان‌ها از یکدیگر همراه با ترکیبی از افسانه، تاریخ و واقعیت به پروردن آن کمک می‌کنند.

همراه با کنایه و تکه انداختن های شخصیت‌های دنیا و داوود که به صورت مشاجره یا گفتگو گفته می‌شود، بر افزایش تأثیر بر مخاطب نقش دارند.

جدول ۶- عوامل خاطره‌ساز نمایشنامه هیولاخوانی.

نمایشنامه	توضیحات
نمایشنامه زبان تمشک‌های وحشی	نوع خاطره
	کلی‌نگر / خاطره در نوع بیان / اعتبار خاطره به شخصیت و دیگر نگاه‌شده / طرز بیان جدی
	مؤلفه‌های شکل‌گیری خاطره
	لحن / صدا / حالات و اشارات، زبان گفتاری / کنایه‌ها
	مخاطب
فرآیند	تمامی گروه‌های سنی
زمان	اندیشه‌های پیشین و باورها
	عصر حاضر

جدول ۷- ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری در شخصیت‌های نمایشنامه هیولاخوانی.

شخصیت‌ها	ویژگی‌های رفتاری	الگوهای رفتاری
دانیال	نترس، خشن، فاقد احساسات شهودی	رک و بی پروا، استفاده از زبان خشن، عدم بیان احساسات شخصی.
داوود	نترس، پراحساس، غیر منطقی، دارای احساسات شهودی در مورد دیگران، عمل کردن به تنهایی، فاعل	استفاده از صحبت برای بدست آوردن همبستگی و منصب، عدم بیان احساسات شخصی
دنیا	پر از ترس، نرم، محتاج امنیت، مفعول	سنجیده حرف می‌زند، به بیان احساسات شخصی‌اش می‌پردازد. استفاده نکردن از زبان خشن، قادر به بیان احساس شخصی

نتیجه

زندگی در غار، ازدواج، مرگ، ساختن وسایل زندگی و غیره برای او خاطراتی شدند که انتقال این خاطرات از همان زمان‌های اولیه به عنوان وسیله تربیت و انتقال تجربیات و آداب و رسوم به نسل‌های بعد، به کار گرفته شد. افسانه‌ها و اسطوره‌های برجای مانده از گذشته، در واقع خاطرات انسان‌ها بوده که در طول زمان تغییراتی در آن به وجود آمده است؛ از این رو، می‌توان با تفسیر و بررسی آنها، به خاطرات انسان‌ها از گذشته‌های دور تا امروز و ابعاد مختلف زندگی آنها دست یافت و به نوعی تاریخچه خاطرات انسان‌ها در درون افسانه‌ها، اسطوره‌ها و قصه‌های کهن نهفته است و از انواع خاطره می‌توان به دو، نوع خاطرات جزئی نگر و کلی‌نگر اشاره نمود. اگر حادثه از برجستگی و تعادل نسبی کمی برخوردار باشد، نوشتن آن به صورت کلی‌نگر هیچ لذتی در مخاطب به وجود نمی‌آورد. با توجه به این دونوع خاطره؛ عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری خاطره، مؤلفه زمانی، مؤلفه فضایی، مؤلفه اجتماعی فرهنگی و مؤلفه ذهنی ادراکی را می‌توان نام برد که سبب اهمیت‌انگیزی خاطره برای مخاطب می‌شوند. لذا در نمایشنامه‌ها، اهمیت خاطره به گونه‌ای است که با ایجاد نقاط پررنگ در ذهن مخاطب از طریق دیالوگ‌ها، المان‌ها، موضوع نمایشنامه و بالاخص شخصیت‌ها بدنبال ثبت و ماندگاری نمایش در ذهن تماشاگر و انتقال دادن آن توسط تماشاگر به فردی دیگر. در همین راستا در مقایسه سه اثر نمایشنامه نغمه ثمینی با عنوان: «خواب در فنجان خالی، هیولاخوانی و زبان تمشک‌های وحشی» مشخص گردید که در داستان زبان تمشک‌های وحشی به دلیل کنایه‌های دیالوگی و شخصیت دانیال همراه با زمان نمایشنامه، و امروزی بودن آن، بیشتر از دیگر نمایشنامه‌های منتخب سبب خاطره‌انگیزی در تماشاگر می‌شود.

در نمایشنامه‌ها متن نمایشی شامل گفت و شنود و توضیحات صحنه‌ای است. با وجود این، همه نمایشنامه‌ها شرح حال افرادی را نقل و روایت می‌کنند که قسمتی از آن بیان و بخشی دیگر نشان داده می‌شود. به طور مثال آنجا که تک‌گفتار درونی است یا شخصیت‌ها درباره هم صحبت می‌کنند، جنبه روایی و آنجا که ما از خلال حرکات و کنش نمایشی پی به وضعیت شخصیت‌ها می‌بریم، جنبه نمایشی و نمایش‌دادنی دارد. از این منظر، می‌توان شباهت‌هایی میان نمایشنامه و داستان قائل شد. البته با در نظر گرفتن این مطلب که بسامد شیوه نمایشی در نمایشنامه بالا است و در عوض، نقش راوی و زاویه دید در داستان اهمیت بالایی دارد؛ حتی هنگامی که ارائه اطلاعات در داستان به صورت توصیفی است، متوجه می‌شویم که روایت از دید دانای کل روایت شده است. در نمایشنامه، نویسنده در پشت نقاب اشخاص بازی مخفی است و رابطه میان وی و مخاطب با واسطه کم‌تری نسبت به داستان برقرار می‌شود؛ مگر نمایشنامه‌هایی که نویسنده به عمد در صدد ایجاد فاصله هنری میان خویش و مخاطب برآمده است، نظیر: نمایشنامه‌های حماسی.

به طور کلی نمایشنامه از اجزاء طرح، شخصیت، انگاره و مکالمه تشکیل شده است و تمامی این چهار عامل ذکر شده، در کنار هم قرار می‌گیرند تا در تماشاگر خاطره‌انگیزی کنند. چرا که خاطره به یاد آوردن وقایع و رویدادهای گذشته به وسیله فرد از طریق به یاد آوردن افراد، اشیاء، مکان‌ها و تجربیات است و یکی از جنبه‌های کلیدی در تعریف خاطره، رویدادهایی است که خود فرد آن را تجربه کرده است. ضمن اینکه خاطره می‌تواند فردی یا جمعی باشد. از آنجا که عمر خاطره به عمر انسان می‌رسد؛ یعنی از همان زمانی که انسان پا روی این کره خاکی گذاشت، شکار حیوانات،

جمعی، همایش معماری پایدار و توسعه شهری. عسگری، مرضیه (۱۳۹۵)، جنسیت در تئاتر: تحلیل تاریخی گفتمانی دو نمایشنامه خشکسالی و دروغ و خواب در فنجان خالی، دانشگاه کاشان، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد، رشته علوم اجتماعی، گرایش مطالعات فرهنگی. گلپزه، سارا (۱۳۸۸)، بررسی نمایشنامه‌های دو نمایشنامه‌نویس زن معاصر ایران نغمه ثمینی و چیستا یثربی، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد ادبیات نمایشی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری. نصرتی، رفیق (۱۳۹۴)، دلالت فنجان خالی (پژوهشی در نشانه‌های روان زنانه نمایشنامه خواب در فنجان خالی، اثر نغمه ثمینی)، کاری از واحد نشر اینترنتی سایت پروبلماتیکا، کتاب پروبلماتیکا.

Elrahman, Ahmad, Randa A. Mahmoud. (2016). The post-revolutionary effect on the urban harmony of Cairo's built environment in relation to the collective memory of the population. *Ain Shams Engineering Journal*, (7): 1099-1106.

Lewika, Maria. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past, *Journal of Environmental Psychology*, 28(3): 209-231.

«رازها و دروغ‌ها» و «خواب در فنجان خالی» نغمه ثمینی، فصلنامه تخصصی علمی پژوهشی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۶، صص ۲.

ثمینی، نغمه (۱۳۸۲)، خواب در فنجان خالی، در برگزیده آثار بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، تهران، نمایش.

ثمینی، نغمه (۱۳۹۲)، هیولاخوانی، افروز.

دادور، داوود؛ محمدی، احمد (۱۳۹۴)، نگاهی به تاریخ نمایش و نمایش‌نامه در ایران، مجله هنر و مردم، دوره یازدهم، شماره ۱۲۹، صص ۲۴-۳۹.

زارع، الهام؛ ایران‌زاده، نعمت‌الله، و پیروز، غلامرضا (۱۳۹۷)، عناصر داستانی خاطره‌نویس‌های دفاع مقدس با تأکید بر اثر دختر شینا، متن پژوهشی/ادبی، سال ۲۲، شماره ۷۶، صص ۱۹۱.

زاهدی، فریندخت؛ نصرتی، رفیق، و نجیبی، آذر (۱۳۹۲)، بررسی نقش‌های جنس‌گرایانه در دو نمایشنامه خواب در فنجان خالی و شکلک اثر نغمه ثمینی براساس نظریه کنش متقابل نمادین، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۱-۹۶.

شهبازی، رامتین (۱۳۹۱)، آن سوی سایه‌ها؛ نگاهی به نمایش خواب در فنجان خالی، خبرنامه بیدار، فصل ۵، صص ۷۰-۷۱.

عسگری، علی؛ نقیبی، پرستو (۱۳۹۴)، ضرورت و معیارهای ثبت و ایجاد خاطره

The Importance of Memories in the Characters of Naghmeh Samini's Plays by Focusing on Sleeping in Empty Cups, Echolocation, and The Language of Wild Raspberries*

Azadeh Tafazzoli¹, Anahita Moghbeli^{**2}

¹Master of Art Research, East Tehran Branch, Payame Noor University, Tehran, Iran.

²Associate Professor, Faculty of Art, East Tehran Branch, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Received: 10 Nov 2019, Accepted: 14 Feb 2021)

Plays represent life stories both through narration and performance. Theatrical literature evokes memories in such a way that these stories become persistent in the stream of consciousness of the audience. This paper seeks to explore the concept of memory with the analysis of characters from three plays: *Sleeping in Empty Cups*, *Echolocation*, and *The Language of Wild Raspberries* by female playwright Naghme Samini. These plays and their structures are evaluated to address the importance of memory for the characters by using a descriptive-analytical research method. In each case study, the main characters of the play are explored based on their behavior and dialogues, with a focus on the concept of collective memory. In this context, collective memories are defined as events that are remembered by a group of people who are involved in building and shaping that memory. The more people remember and recall a shared memory, the greater is the semantic and collective burden of that memory. The case studies are evaluated based on different criteria. One is the main subject of the story and the time that events of the play are happening. Another aspect considered in the three plays is the influence they have on the audience. Characteristics of the leading roles and their behavioral patterns are other factors that were considered in comparison of the three plays. The first case study, *Sleeping in Empty Cups*, happens in a historical era (Qajar dynasty) and therefore, evokes memories from the past through many references to the social environment of the time. In this play, the audience is encouraged to compare social issues of that era with the challenges of contemporary society. Within the second play, *Echolocation*, two main eras of the modern history of Iran are compared: before and after the revolution of 1978. Dialogues and events of this play recall many political incidents of the time, but it also includes many symbolic references to ancient myths. The play represents the conflicts between two eras, as well as

the oppositions among different characters. *The Language of Wild Raspberries* is a play that could be categorized as a surreal work that represents many ambiguous concepts both in form and in content. The main events of the play take place in the present, but the story repeatedly moves forward and backward in time. This structure evokes many memories through detailed symbols which are referred to by the characters. The results of this comparative study with these three plays indicate that characters have more significant effects on evoking the audiences' memory through narrations and the creative juxtaposition of the storyline within the dialogues. Among these case studies, *The Language of Wild Raspberries* has the most influence in terms of persistence in memory. Although the play is a narrative of contemporary life, it contains many details in dialogues, especially by the male character. In all three plays -and mostly in *The Language of Wild Raspberries*-memories are made and recalled through different time and spatial factors, as well as socio-cultural and perceptual factors.

Keywords

Plays, Memory, Naghmeh Samini, Dream in an Empty Cup, Echolocation, The Language of the Wild Raspberries.

*This article is extracted from the first author's master thesis, entitled: "Exploring the importance of memories in the characters of Naghmeh Samini's plays by focusing on Sleeping in empty cups, Echolocation, and the Language of wild raspberries" under the supervision of second author at Payam-e-Nour University.

**Corresponding Author: Tel: (+98-912) 1233716, Fax: (+98-21) 77312716, E-mail: a.moghbeli1398@yahoo.com

Exploring the Importance of Memories in the Characters of Naghmeh Samini's Plays by Focusing on *Sleeping in Empty Cups*, *Echolocation*, and *The Language of Wild Raspberries**

Azadeh Tafazoli¹, Anahita Moqbeli^{2**}

¹M.Sc, Payame Noor University, Tehran, Iran.

²Associate Professor, Faculty of Art, Payame Noor University, Tehran, Iran.

(Received 12 Aug 2021, Accepted 23 Sep 2021)

Plays represent life stories both through narration and performance. Theatrical literature evokes memories in such a way that these stories become persistent in the stream of consciousness of the audience. This paper seeks to explore the concept of memory with the analysis of characters from three plays: *Sleeping in Empty Cups*, *Echolocation*, and *The Language of Wild Raspberries* by female playwright Naghmeh Samini. These plays and their structures are evaluated to address the importance of memory for the characters by using a descriptive-analytical research method. In each case study, the main characters of the play are explored based on their behavior and dialogues, with a focus on the concept of collective memory. In this context, collective memories are defined as events that are remembered by a group of people who are involved in building and shaping that memory. The more people remember and recall a shared memory, the greater is the semantic and collective burden of that memory. The case studies are evaluated based on different criteria. One is the main subject of the story and the time that events of the play are happening. Another aspect considered in the three plays is the influence they have on the audience. Characteristics of the leading roles and their behavioral patterns are other factors that were considered in comparison of the three plays. The first case study, *Sleeping in Empty Cups*, happens in a historical era (Qajar dynasty) and therefore, evokes memories from the past through many references to the social environment of the time. In this play, the audience is encouraged to compare social issues of that era with the challenges of contemporary society. Within the second play, *Echolocation*, two main eras of the modern history of Iran are compared: before and after the revolution of 1978. Dialogues and events of this play recall

many political incidents of the time, but it also includes many symbolic references to ancient myths. The play represents the conflicts between two eras, as well as the oppositions among different characters. *The Language of Wild Raspberries* is a play that could be categorized as a surreal work that represents many ambiguous concepts both in form and in content. The main events of the play take place in the present, but the story repeatedly moves forward and backward in time. This structure evokes many memories through detailed symbols which are referred to by the characters. The results of this comparative study with these three plays indicate that characters have more significant effects on evoking the audiences' memory through narrations and the creative juxtaposition of the storyline within the dialogues. Among these case studies, *The Language of Wild Raspberries* has the most influence in terms of persistence in memory. Although the play is a narrative of contemporary life, it contains many details in dialogues, especially by the male character. In all three plays -and mostly in *The Language of Wild Raspberries* - memories are made and recalled through different time and spatial factors, as well as socio-cultural and perceptual factors.

Key words

Plays, Memory, Naghmeh Samini, Dream in an Empty Cup, Echolocation, The Language of the Wild Raspberries.

*This paper is extracted from Azadeh Tafazoli's Master's thesis supervised by Dr. Anahita Moqbeli in Payam-e-Nour University, Faculty of Arts.

**Corresponding author: Tel: (+98-912) 1233716, Fax: (+98-21) 77312716, E-mail: a.moghbeli1398@yahoo.com.